



تعديل قرارداد

به ویژه، تعديل قضايی که امروزه با توجه به گسترش قراردادهای مستمر و بی ثباتی اقتصادی در برخی کشورها، تبديل به یکی از بخش های چالش برانگیزه حقوق قراردادها شده می پردازد. مؤلف در این کتاب تلاش کرده است تا علاوه بر بررسی دقیق موضوع در حقوق داخلی، از رصد دیدگاه حقوقدانان و رویه قضايی و قوانین کشورهای صاحب نام و مقررات و رویه بین المللی نیز غافل نماند.

عناوین سه گانه مورد بررسی کتاب، علاوه بر امکان بهره برداری علمی و نظری برای همه حقوقدانان، برای گروه هایی از صاحبان مشاغل قضايی نیز ارزش کاربردی و مضاعف دارد؛ به عنوان نمونه، بخش «تعديل قراردادی» راهنمای بسیار خوبی برای وکلای و دست اندرکاران قراردادهای تجاری است تا با آشنایی از چگونگی تنظیم دوراندیشانه قرارداد، توافق های صورت گرفته را از گزند حوادث احتمالی آینده در امان نگه داشته، به سلامت به سر منزل مقصود رسانند. همچنین بخش «تعديل قانونی» با بررسی های تطبیقی فراوان، راهنمای بسیار خوبی برای قانونگذار در اطلاع از وضع موجود نظام های حقوقی و پیش بینی مقررات لازم و کارآمد در این زمینه است. همچنین، بخش «تعديل قضايی»، راهنمای خوبی برای دادرسان دادگاه هاست تا با آگاهی از مبانی بومی و اسلامی بازبینی در مفاد قرارداد و همچنین ملاحظه کم و کیف تحول رویه قضايی کشورها و نظام های مختلف حقوقی در این زمینه راه را بر تغییر و تعالی رویه قضايی داخلی، بگشایند.

این کتاب که تنها کتاب جامع در بحث «تعديل قرارداد» است، توسط دکتر سعید بیگدلی نگاشته شده و به وسیله نشر میزان، در ۴۵۰ صفحه، در ابتدای سال ۱۳۸۶ به زیور چاپ آراسته و در اختیار جامعه حقوقی کشور قرار گرفته است.

قرارداد به منزله قانون طرفین است. قانونی که با هیچ تفسیر و تأویلی قابل عدول نیست و طرفین با هیچ توجهی مجاز به تغییر یک جانبه مفاد آن نیستند. فقط اراده مشترک آنان است که به هنگام انعقاد قرارداد و یا در جریان اجرای آن می تواند عامل تغییر و تحول در مفاد عقد گردد، که همین اختیار نیز برخاسته از حاکمیت اراده آنان است.

به همین ترتیب، قانونگذار نیز باید از مداخله در حریم اراده طرفین قرارداد بپرهیزد و به خواسته های آنان احترام گذارد. قانونگذار آگاه، جز در مواردی که اختیار و اراده آزاد طرفین، باعث اختلال در نظم عمومی و خسارتی جبران ناپذیر به یکی از آنان می شود، به خود اجازه دخالت در تصمیمات افراد را نمی دهد.

همین امر در مورد قاضی نیز مصداق دارد؛ قوه الزام آور عقد، بر قاضی نیز تحمیل می شود و او موظف است در رسیدگی به اختلاف های ناشی از قرارداد، مجری خاص قراردادی آنان باشد و نباید در قضاوت خود، به بهانه عدالت و انصاف از اجرای اراده مشترک آنان سر باز زند و یا در مفاد قرارداد و شروط آن تغییراتی به وجود آورد. با این وجود گاه در قراردادهایی که اجرائیشان به طول می انجامد، حوادثی غیر منتظره، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل پیشگیری روی می دهد که تعادل تعهدات قراردادی و عدالت معاوضی حاکم بر عقد را به شدت خدشه دار ساخته، اجرای تعهدات را برای یکی از متعاقدين بسیار دشوار یا پرهزینه می کند، به گونه ای که انعقاد چنین قراردادی در وضعیت جدید، عرفاً به شوخی می ماند. برای آنکه طرفین از تبعات منفی چنین اوضاعی در امان بمانند، عقلاً سه شیوه قابل تصور است: یا طرفین در حین انعقاد قرارداد، چگونگی بازبینی عقد را در شرایط یاد شده مورد پیش بینی قرار دهند (تعديل قراردادی)، یا علی رغم عدم پیش بینی آنان، قانونگذار، امکان بازبینی در قرارداد را برای قاضی تجویز نماید (تعديل قانونی) و یا در فقدان دو راه پیش گفته، قاضی با تمسک به قواعد عام حقوقی، قرارداد فیما بین طرفین را مورد جرح و تعديل قرار دهد (تعديل قضايی). کتاب حاضر، در دو بخش، به بررسی دقیق سه نوع تعديل قرارداد،